

بررسی فقهی و حقوقی تبنی

شکوفه صادقی پور^۱

چکیده:

فرزندخواندگی یا تبنی در طول تاریخ، سابقه‌ی طولانی دارد. دلایل متعددی همچون فواید فردی و اجتماعی فرزندخواندگی، نیاز ضروری جامعه، حمایت از اطفال بدون سرپرست یا بد سرپرست و همچنین دفع مشکلات شدید فرزند پذیران، باعث پیدایش این نهاد شده است.

در اخلاق اسلامی سرپرستی از یتیمان و کودکان بی سرپرست به شدت توصیه شده است، به همین دلیل نیز بسیاری از خانواده‌های توانگر، با اشتیاق سرپرستی کودکان درمانده را می‌پذیرند و این امر در طول تاریخ به عنوان یکی از روش‌های حمایت از کودکان وجود داشته است. به همین سبب عنوانی به نام فرزندخوانده مطرح می‌شود که بیانگر نوعی رابطه‌ی خاص میان کودک فاقد سرپرست و پدرخوانده و مادرخوانده‌ی او می‌باشد. عقد فرزندخواندگی، در شرع اسلام پذیرفته شده است. ابتدا دارای اثر ارث بوده ولی آیاتی نازل می‌شود و اثر فرزندخوانده نسخ می‌شود. شارع مقدس با ارائه راهکارهایی در ابواب مختلف حقوقی از قبیل حضانت، نفقه، ولایت، قرابت رضایی و ... موانع سر راه فرزندخواندگی را بردارد تا در حق کودک کوتاهی صورت نگیرد و منافع مادی و معنوی او تأمین شود.

کلیدواژه‌ها: تبنی، فرزندخواندگی، حضانت، ولایت، لقیط، نفقه، ارث.

^۱ - طلبه سطح ۳ مرکز تخصصی فقه و اصول النقیسه

مقدمه:

فرزندخواندگی هرچند از قدیم الایام مرسوم بوده و برخی از مردم با هدف‌های مختلف به‌سوی آن می‌رفته‌اند، اما این پدیده در عصر و زمان ما گسترده‌تر و متقاضیان آن افزون‌تر و اهداف تقاضاکنندگان آن یکنواخت شده است.

به‌طور عمده نداشتن فرزند سبب گرایش به این مسئله می‌باشد و گاه نیز عواطف انسانی موجب توجه به آن می‌گردد. حوادث طبیعی و غیرطبیعی همانند زلزله‌ها، جنگ‌ها، بیماری‌ها، طوفان‌های سخت و وحشتناک و مانند آن عوارض نامطلوب مختلفی بر جوامع انسانی می‌گذارد که یکی از آن‌ها معضل فرزندان بی‌سرپرست است. فرزندانی که پدر و مادر خود را در آن حوادث از دست داده و در غم مهر و محبت آنان سوخته و حسرت نوازشی ساده را بر دل دارند.

از سوی دیگر زوجین متعددی وجود دارند که به علل مختلفی از نعمت بی‌بدیل فرزند محروم هستند، به سراغ فرزندان بی‌سرپرست رفته و آن‌ها را به فرزندپذیری قبول می‌کنند. اما مشکلی که معمولاً زوجین مؤمن را رنج می‌دهد و در پاره‌ای از موارد آن‌ها را از پذیرش چنین فرزندانی منصرف می‌کند مسائل احکامی و مسائل حقوقی آن می‌باشد که این مقاله در پی پاسخ به چنین مسائلی می‌باشد.

از طرف دیگر چه‌بسا کودکانی صاحب پدر و مادر باشند اما به سبب مشکلات اقتصادی و اجتماعی و یا موانع دیگر از تربیت جسمی و روحی کودک برنمی‌آیند و به خاطر باز کردن افق روشنی برای فرزندان خودسرپرستی آنان را به زوجین دیگری می‌سپارند... در این مقاله ابتدا به نگرش اسلام درباره تبنی و فرزندخواندگی پرداخته شده و سپس اقسام تبنی و شرایط آن بررسی شده و درنهایت احکام فقهی و حقوقی تبنی شامل: حضانت، نفقه، ارث، قرابت از طریق رضاع و... موردبررسی واقع شده است.

تعریف لغوی و اصطلاحی تبنی:

کلمه‌ی تبنی که از آن به‌عنوان فرزندخواندگی تعبیر می‌شود در لغت به این معناست که شخص، فرزند دیگری را به‌عنوان فرزند خود در نظر بگیرد. (فیروزآبادی، ۱۹۹۱ م، ص ۷۲).

در فقه تعاریف متعددی برای تبنی شده است که برگشت تمامی تعاریف به معنای لغوی آن می‌باشد. کتاب معجم المصطلحات و الالفاظ الفقهیه تبنی را این‌گونه تعریف می‌نماید: «فردی فرزند دیگری را در حکم فرزند خود قرار دهد و احکامی را که متعلق به فرزند حقیقی است برای او در نظر بگیرد.» (محمود عبدالرحمن، ۱۳۷۷ ه.ق، جلد ۱، ص ۴۲۷).

حال اگر بخواهیم تعریف جامع و کاملی را برای تبنی ارائه دهیم، در تعریف تبنی می‌گوییم: شخصی فرزند فرد دیگر را به‌منزله‌ی فرزند حقیقی خود قرار دهد و فرض نماید، خواه آن کودک معلوم النسب باشد و پدر و مادر حقیقی او مشخص باشند و خواه مجهول النسب باشد و پدر و مادر حقیقی او ناشناخته باشند و در این راه هیچ دلیل و مدرک و سند شرعی و حتی عقلی و عرفی اقامه ننماید و با تمامی این احوال، احکام فرزند حقیقی را برای آن کودک در نظر بگیرد.

نگرش اسلام درباره فرزندخواندگی:

از آنجایی که اسلام دینی جامع و کامل است که تمامی ابعاد زندگی فردی و اجتماعی را گوشزد می‌نماید و مسیر سعادت را به انسان نشان می‌دهد، در زمینه نگهداری و سرپرستی از کودکان فاقد سرپرست توصیه‌های فراوانی نموده است که با رجوع به تعالیم قرآنی و سیره علمی اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام و تاریخ می‌توان نمونه‌های فراوانی را یافت.

در سوره مبارکه بقره، احسان و نیکی به ایتم در ردیف توحید قرار گرفته و توصیه به آن شده است. (بقره، ۸۳).
 که از مصادیق احسان و نیکی، پذیرفتن سرپرستی ایشان، تربیت نمودن آنها در رفع نیازمندی‌های روحی و جسمی
 ایشان می‌باشد. (نجفی، کاشف الغطاء، ۱۳۹۹ ه.ق، ص ۱۲).

اسلام با سرپرستی و نگهداری از فرزندان دیگران هیچ مخالفتی ندارد و آن را امری پسندیده و مورد تقدیر
 می‌شمرد و مردم را تشویق می‌نماید که نیازمندی‌های مادی و روحی کودکان فاقد سرپرست را برطرف نمایند.
 دست نوازش بر سر آنها بکشند و صیانت و سرپرستی آنها را بر عهده بگیرند.

اقسام تبنی

کسانی که به‌عنوان فرزندخوانده معرفی می‌شوند را می‌توان به دو گروه کلی تقسیم نمود:

- ۱- اطفالی که معلوم النسب می‌باشند و پدر و مادر حقیقی آنها مشخص هستند.
- ۲- اطفالی که مجهول النسب می‌باشند و پدر و مادر واقعی آنها نامعلوم است که از آن تحت عنوان لقیط بحث
 می‌شود.

اطفال معلوم النسب را می‌توان به چند گروه تقسیم نمود:

- ۱ - اطفالی که پدر و مادر حقیقی، آنها را در معرض فروش قرار می‌دهند.
- ۲ - اطفالی که پدر و مادر حقیقی، به خاطر وجود موانعی از قبیل اعتیاد، مفسد اخلاقی، جنون و ... قابلیت
 سرپرستی آنها را ندارند و حاکم آنها را از حضانت و ولایت طفل سلب کرده است.

۳ - ایتم

۴ - لقیط معلوم النسب

مباحثی از قبیل حضانت، نفقه، ولایت، ارث و محرمیت درباره‌ی فرزند حقیقی مطرح می‌شود که متقابلاً در مورد فرزندخوانده نیز مطرح می‌باشند. زمانی که نفی نسب در مورد فرزندخوانده اثبات گردید آثار و احکام ولد حقیقی نیز از او نفی می‌شود و حقوق و مزایای فرزند حقیقی برای فرزندخوانده شرعاً وجود نخواهد داشت.

حضانت

تعریف لغوی و اصطلاحی حضانت

حضانت در لغت به معنای تدبیت، پرورش و دایگی بچه می‌باشد. به سوراخ یا مجرای آب در کنار دیوار که آب را از نفوذ در دیوار برگرداند گفته می‌شود. کودک را در بغل گرفتن و او را به سینه چسبانیدن و سرپرستی و پرورش کودک را بر عهده گرفتن را حضانت می‌گویند. (ابن منظور، ۱۴۱۴ ه.ق، ج ۱۳، ص ۱۲۹).

شهید ثانی در مسالک می‌فرماید: «حضانت ولایت بر کودک و مجنون است به منظور تربیت و آنچه به مصلحت اوست مانند حفظ و نگهداری، قرار دادن او در تختش، بلند کردنش، سرمه کشیدنش، روغن مالیدن، تمیز کردن، شستن کهنه و لباس و ... که زن برای انجام آن‌ها شایسته‌تر از مرد است و این به جهت عواطف بیشتر یا اخلاق مناسب‌تر زن در این امور است.» (عاملی، ۱۴۱۳ ه.ق، ج ۸، ص ۴۲۱).

بعضی از فقها، در تعریف حضانت ولایت را قبول ندارند و می‌گویند: حضانت هیچ ربطی به ولایت بر ازدواج طفل و اموال او ندارد و فقط مربوط به تربیت و حفظ و نگهداری کودک و رعایت مصلحت او می‌باشد. (مغنیه، ج ۵، ص ۳۰۲).

به‌طور کلی حضانت به معنای نگهداری و تربیت طفل می‌باشد. نگهداری طفل عبارت است از به کار بردن وسایل لازمه برای بقاء و نمو و بهداشت جسمی و روحی طفل می‌باشد مانند دادن خوراک، پوشانیدن لباس پاکیزه، تمیز کردن طفل به وسیله شست‌وشو، گذاردن در تخت خواب، پوشانیدن روی

تصویب آیین‌نامه اجرایی در جهت اجرای قانون و مرتفع شدن مشکلات ناشی از جذب کودکان بی‌سرپرست این معضل اجتماعی حل شده و حمایت‌های لازم از این قشر صورت پذیرد.

نتیجه گیری

یکی از نهادهای حقوقی که کارکرد فراوان و قابل توجهی در طول تاریخ و حیات بشر داشته است، نهاد فرزندخواندگی است. فرزندخواندگی منحصرأ به نوعی رابطه قضایی اطلاق می گردد که بر اثر پذیرش طفلی به عنوان فرزندخوانده از جانب مرد و زنی که والدین واقعی آن طفل نیستند، صورت می گیرد.

در قانون حمایت از کودکان بی سرپرست، حقوق و تکالیف متقابلی برای اطفال بی سرپرست و سرپرستان پیش بینی شد. کودک بی سرپرست به عنوان یک شهروند نیازمند حمایت های مادی و معنوی است و با توجه به اینکه حکومت در محضر الهی از باب «الحاکم ولی من لا ولی له» نسبت به این کودکان مسئول بوده و تعهداتی دارد که باید به آنها وفا کند «تعهداتی از قبیل: حضانت، تعلیم و تربیت، مواظبت جسمی، مواظبت در امور اخلاقی و بهداشتی، اقدام به موقع به معالجه و درمان و آموزش و» در اینجاست که بایستی یا حکومت خودش این تعهدات را انجام دهد و یا از قِبَل خود نایب انتخاب کند و این وظیفه خطیر را به دیگری محول نماید.

به عبارت دیگر، همان قانون گذاری که صدور شناسنامه با نام خانوادگی زوج را برای فرزندخوانده تجویز و این عمل را قانونی تلقی نموده، همان قانون گذار در برخی از موارد «مانند ازدواج با فرزندخوانده» جلوی مباحات شرعیه را بگیرد و ثبت نکاح آنان با فرزندخوانده را غیرقانونی تلقی نموده و عملشان را حرام و عقدشان را فاسد اعلام نماید که این عمل از باب الزامات حکومتی و برای حفظ نظم و امنیت جامعه و اجتماع خواهد بود.

راهگشا و کارآمد بودن حکم حکومتی برای پاسخ به نیازهای زمان، هنگامی نتیجه خواهد داد که اولاً، از جنبه ی نظری دارای جایگاه فقهی و حقوقی مناسب در مقایسه با سایر قوانین و احکام شرعی

باشد و به هنگام لزوم از تقدم برخوردار گردد. ثانياً، از جنبه علمی، تخلف از آن دارای چنان عواقبی باشد که کسی آن را نادیده نگیرد.

* القرآن الكريم، ترجمه محمد مهدی فولادوند.

۱- ابن منظور، ابوالفضل جمال الدین محمد بن مکرم (۱۴۱۴ ه.ق)، لسان العرب (چاپ سوم)، بیروت: دارالفکر الطباعة و النشر و التوزيع.

۲- حلی، علامه، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی (۱۴۲۰ ه.ق)، تحریر الاحکام (چاپ اول)، قم: موسسه امام صادق علیه السلام.

۳- حلی، علامه، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی (۱۴۱۳ ه.ق)، قواعد الاحکام فی معرفه الحلال و الحرام (چاپ اول)، قم: انتشارات اسلامی وابسته به حوزه علمیه قم.

۴- حلی، محقق، نجم الدین جعفر بن حسن (۱۴۰۸ ه.ق)، شرایع الاسلام فی مسائل الحرام و الحلال (چاپ دوم)، قم: موسسه اسماعیلیان.

۵- خمینی، سید روح الله الموسوی (۱۳۶۵ ه.ش)، تحریر الوسیله (چاپ اول)، قم: موسسه مطبوعاتی دارالعلم.

۶- خمینی، سید روح الله الموسوی (۱۴۲۲ ه.ق)، استفتائات امام خمینی (چاپ پنجم)، قم: انتشارات اسلامی وابسته به حوزه علمیه قم.

۷- سبزواری، سید عبدالاعلی (۱۳۹۶ ه.ق)، مهذب الاحکام فی بیان الحلال و الحرام (چاپ چهارم)، قم: موسسه المنار.

۸- شیرازی، قدرت الله (۱۴۲۹ ه.ق)، موسوعه الاحکام اطفال و ادلتها (چاپ اول)، قم: مرکز فقهی ائمه اطهار.

۹- شیروانی، علی (۱۳۹۳ ه.ش)، ترجمه شرح لمعه (چاپ پنجاهم)، قم: انتشارات دارالفکر.

- ۱۰- طوسی، ابو جعفر، محمد بن حسن (۱۳۸۷ هـ ق)، **المبسوط فی فقه الامامیه** (چاپ سوم)، تهران: المكتبة المرتضویه لاحیاء الآثار.
- ۱۱- عاملی، شهید ثانی، ذین الدین بن علی (۱۳۷۹ هـ ق)، **روضه البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة**، قم: موسسه اسماعیلیان.
- ۱۲- عاملی، شهید ثانی، ذین الدین بن علی (۱۴۱۳ هـ ق)، **مسالك الافهام الى تنقیع شرایع الاسلام** (چاپ اول)، قم: موسسه معارف الاسلامیه.
- ۱۳- فیروز آبادی، محمد بن یعقوب (۱۹۹۱ م)، **القاموس المحیط**، بیروت: انتشارات دارالحیاء.
- ۱۴- کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۴ هـ ش)، **حقوق مدنی خانواده** (چاپ چهارم)، تهران: نشر میزان.
- ۱۵- لنکرانی، محمد فاضل موحدی (۱۴۲۱ هـ ق)، **تفضیل الشریعه** (چاپ اول)، قم: مرکز فقهی ائمه اطهار (ع).
- ۱۶- محمود عبدالرحمن (۱۳۷۷ هـ ق)، **معجم المصطلحات و الالفاظ الفقهیه**، قاهره: انتشارات دارالفضلیه.
- ۱۷- مصطفوی (۱۳۷۴ هـ ش)، **تفسیر روشن** (چاپ اول)، تهران: انتشارات سروش.
- ۱۸- مغنیه، محمد جواد (۱۴۲۱ هـ ق)، **الفقه الامام الصادق (ع)** (چاپ دوم) قم: موسسه انصاریان.
- ۱۹- نجفی، کاشف الغطاء، علی بن محمدرضا بن هادی (۱۳۹۹ هـ ق)، **ادوار علم الفقه و اطواره**، بیجا.
- ۲۰- نجفی، محمد حسن (۱۳۸۷ هـ ق)، **جواهر الکلام**، بیروت: دار الحیاء.